**٤٦ - خدمت بعموم بشر**

و نیز در الواح حضرت بهاءالله است قوله جل و عز : نوصیکم بخدمةِ الاُمم و اصلاحِ العالم .

 و قوله جلّ و علا: طوبی لمَن اَصبحَ قائماً علی خدمةِ العالَم .

 و قوله عزّ و جلّ : انشاء الله برق شوق در بدن عالم بمثابه رگ شریان بحرکت آید و جمیع از آن حرکت که سبب و علّت احداث حرارت است به حرارت محبت الله فائز شوند تا جمیع متّحداً بافق اللّه ناظر و به خدمتش قائم گردند و خدمت حق امری است که سبب اصلاح عالم است نه نزاع و جدال .

 و قوله الاجلّ الاکمل : مشکات بیان را این کلمه بمثابۀ مصباح است . ای اهل عالم همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار بکمال محبّت و اتّحاد و موّدت و اتّفاق سلوک نمائید قسم به آفتاب حقیقت نور اتّفاق آفاق را روشن و منوّر سازد حقّ آگاه گواه این گفتار بوده و هست جهد نمائید تا باین مقام بلند اعلی که مقام صیانت و حفظ عالم انسانی است فائز شوید این قصد سلطان مقاصد و این امل ملیک آمال ولکن تا افق آفتاب عدل از سحاب تیرۀ ظلم فارغ نشود ظهور این مقام مشکل بنظر میآید و سحاب تیره مظاهر ظنون و اوهام‌اند یعنی علمای ایران گاهی به لسان شریعت و هنگامی بلسان حقیقت و طریقت نطق نمودیم و مقصد اقصی و غایت قصوی ظهور این مقام بلند اعلی بوده و کفی باللّه شهیدا . ای اهل بهاء باید با جمیع اهل عالم به روح و ریحان معاشرت نمائید اگر نزد سما کلمۀ و یا جوهری است که دون شما از آن محروم به لسان محبّت و شفقت القاء نمائید و بنمائید اگر قبول شد و اثر نمود مقصود حاصل و الّا او را باو واگذارید و در بارۀ او دعا نمائید نه جفا لسان شفقت جذّاب قلوب است و مائدۀ روح و مانند افق است از برای اشراق آفتاب حکمت و دانائی .